

فصلنامه علمی ° پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی
 دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت
 سال چهارم ° شماره ۱ ° بهار ۹۲
 صص ۸۱-۹۸

گونه شناسی رهیافت‌های میان رشته‌ای و دلالت‌های آن در طراحی برنامه درسی چند فرهنگی در آموزش عالی^۱

علیرضا عراقیه^{۲*}

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۴/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۲/۲

چکیده

از جمله موضوع‌هایی که امروزه در محافل آموزش عالی جهان به آن پرداخته می‌شود، مسأله بین‌المللی کردن آموزش عالی و فراهم کردن زمینه مناسب جهت جذب دانشجویان خارجی می‌باشد. این مهم مستلزم متغیرهای گوناگونی از جمله پذیرش کثرت‌گرایی فرهنگی در محیط‌های دانشگاهی و توجه کافی به تجربه بین فرهنگی و توسعه مراودات بین‌المللی می‌باشد. با این حال مطالعه برنامه‌های درسی آموزش عالی ایران مؤید این حقیقت است که نظام آموزش عالی ایران فاقد الگو و راهکار مناسب در زمینه برنامه درسی چند فرهنگی، شناسایی سایر فرهنگ‌ها و تجربه بین فرهنگی می‌باشد. این مسأله در قالب موانع فرهنگی چالش‌هایی را در برابر بین‌المللی کردن برنامه‌های درسی آموزش عالی ایران ایجاد نموده است. در این پژوهش با استفاده از روش پژوهش کیفی از نوع تحلیل تطبیقی، به بررسی و واکاوی رهیافت‌های شناسایی شده برنامه میان‌رشته‌ای اقدام شده است. براساس یافته‌های پژوهش، مطالعات بین‌رشته‌ای ضمن ارائه دیدگاه‌های جامع قادرند به مطالعات متخصصان در حوزه برنامه درسی چند فرهنگی انسجامی خاص داده و در مواجهه با موانع فرهنگی بین‌المللی کردن برنامه‌های درسی در آموزش عالی نقش مؤثری را ایفا نمایند.

واژه‌های کلیدی: رهیافت، میان رشته‌ای، طراحی برنامه درسی، چند فرهنگی.

۱- پژوهش فوق‌برگرفته از طرح پژوهشی (بررسی وضعیت چند فرهنگی در برنامه درسی پنهان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر) می‌باشد که با حمایت مالی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر به اجرا درآمده است. بدینوسیله از آن واحد دانشگاهی تقدیر و تشکر به عمل می‌آید.

۲- عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اسلامشهر، گروه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، اسلامشهر، ایران

*- نویسنده مسئول: araghieh@iaau.ac.ir

مقدمه

یکی از ویژگی‌های عصر حاضر آن است که دانش بیش از پیش در زندگی جوامع اهمیت یافته است. به عبارت دیگر، اقتصاد دانش محور و نیز ساختن جامعه دانش بنیاد توجه اغلب کشورها را به خود جلب کرده است. از این رو بخش آموزش عالی در توسعه کشورها، بیش از پیش اهمیت یافته و لذا، جایگاه آموزش عالی در این زمینه انکار ناپذیر است. از این رو، نیاز به تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی و درسی که بتواند هماهنگ با تحولات یاد شده به نیازهای جامعه پاسخ دهد در اولویت است.

از آنجا که دانشگاه‌ها به عنوان سازمان‌های اصلی تولید کننده، اشاعه دهنده و تسهیل کننده کاربرد دانش به شمار می‌روند، در ایجاد فرصت‌های دستیابی به دانش (یادگیری مداوم)، مرتبط کردن دانش کسب شده با نیازهای اجتماعی و کیفیت فرایندهای یاددهی و یادگیری نقش بسزایی دارند (Bazargan, 2009).

بر این اساس، بیانیه جهانی شدن آموزش عالی در قرن بیست و یکم، در رابطه با مفهوم مرتبط کردن آموزش عالی با نیازهای اجتماعی، یکی از وظایف نظام‌های آموزش عالی را مرتبط کردن آموزش عالی با نیازهای فردی و اجتماعی از راه برنامه‌های میان رشته‌ای عنوان نموده است (UNESCO, 2013).

البته ضرورت این مساله در حوزه علوم انسانی بیش‌تر به چشم می‌خورد و ضرورت بازنگری در بین رشته‌ای را مضاعف می‌کند، چرا که وابستگی علوم درمیان علوم انسانی بیش‌تر از سایر حوزه‌های دانش است (Khanjarkhani, 2009). علاوه بر این، اهمیت و لزوم تشکیل و تکوین میان رشته‌ای در بیش‌تر زمینه‌های علوم انسانی بیش از پیش نمایان شده و ورود آن به حوزه‌های علمی امری اجتناب ناپذیر بشمار می‌رود. از دیدگاهی دیگر نیز می‌توان گفت در عصر حاضر پدیده جهانی شدن به عنوان پدیده‌ای چند بعدی، فرایندی و چالش برانگیز نظام آموزشی را به عنوان یکی از حوزه‌های بنیادی تحت تأثیر قرار داده است. این جریان‌ها ادراک و احساس ما را نسبت به وضع کنونی دانشگاه و آینده آن با ابهام، پیچیدگی و دوگانگی شدیدی روبرو کرده و احساس دوگانه‌ی بیم و امید نسبت به تحولات آموزش عالی در سطح جهان را بوجود آورده است. (Fazeli 2013, Virilli 2001, Zuboff 2001).

یکی از این تحولات مهم در حوزه آموزش عالی؛ بین‌المللی کردن نظام آموزش عالی می‌باشد. آموزش عالی و محیط دانشگاه به عنوان یک محیط فرهنگی دارای تنوع قومیت‌ها، خرده فرهنگ‌ها، سلیقه‌ها، افکار، ذائقه‌ها و گرایش‌های سیاسی و اجتماعی گوناگون بوده و مدیریت این واقعیت‌ها می‌بایست متکی بر الگوی سنجیده و مبانی نظری متقن در حوزه چند فرهنگی باشد

(Rostami, 2009). با این توصیف آنچه می‌تواند در حوزه آموزش عالی ایران چالش برانگیز تلقی شود، آن است که آموزش عالی در کشور ایران از فقدان سیاست روشن در خصوص مباحث چند فرهنگی و اقوام دررنج می‌باشد. پژوهشی با عنوان "بین‌المللی کردن برنامه‌های درسی در نظام آموزش عالی" با اشاره به موانع فرهنگی، موانع انسانی و موانع سیاسی؛ آنها را از جمله مشکلات بین‌المللی کردن برنامه‌های درسی برشمرده است (Fathi vajargah 2007). همان طور که در مطالب فوق اشاره گردید؛ در تحلیل علل موانع عنوان شده نیز، فقدان مبانی نظری متقن در خصوص برنامه‌های درسی چند فرهنگی در آموزش عالی مشهود می‌باشد.

برخی محققین این محرومیت را شامل سایر دوره‌های تحصیلی نیز دانسته و معتقدند: برنامه‌های درسی نظام آموزش عمومی و آموزش عالی ایران از داشتن الگو و مبانی نظری روشن (Mehrmohammadi, 2009). در زمینه‌های گوناگون و از جمله چند فرهنگی محروم می‌باشد. در نتیجه این موضوع می‌تواند توجه اندیشمندان و سیاست‌گذاران حوزه آموزش عالی و کسانی که دغدغه تلفیق یا علوم میان رشته‌ای را دارند به خود معطوف نماید.

بیان مساله

اندیشمندان میان رشته‌ای، واقعیت‌ها و نیازهای دنیای جدید را در فراسوی رشته‌هایی نكوهش می‌کنند که ساختاری یک سوویه، جزئی نگر، محدود و تخصصی دارند (Khanjarkhani, 2009). در واقع آشنایی با رویکردهای میان رشته‌ای و آگاهی از چرایی این مقوله‌ها برای برنامه‌ریزان درسی ضروری بوده و تخصص‌های میان رشته‌ای برای دانشکده‌ها و نهاد-هایی که در پی دستیابی به مرزهای جدید و خلق بایسته‌های خاص در عرصه علوم، بویژه علوم انسانی هستند، با اهمیت می‌باشد. در پژوهشی که به‌وسیله فتحی و اجارگاه (Fathi vajargah 2008). صورت گرفته است؛ وی بر ظرفیت بالقوه ایران جهت میزبانی دانشجویان بین‌المللی بویژه از قاره آسیا و منطقه تاکید نموده و معتقد است بین‌المللی کردن برنامه‌های درسی ضرورتی تمام عیار برای نظام آموزش عالی ایران با توجه به چشم اندازهای اسناد بالا دستی و نیز ظرفیت‌ها و توانمندی‌های موجود است. بر اساس نتایج پژوهش فوق؛ با عین حال، موانع فرهنگی مرتبط با IOC¹ در ایران به شرح ذیل می‌باشد: - عدم پرداختن به واقعیت وجود هویت‌ها، نژادها و عقاید و به‌گونه کلی فرهنگ‌های گوناگون و به عبارتی کثرت‌گرایی فرهنگی در محیط‌های دانشگاهی. - عدم توجه کافی به تجربه بین‌المللی و یا بین فرهنگی. - عدم ایجاد زمینه‌های مناسب در برنامه‌های درسی جهت آشنایی با فرهنگ‌های گوناگون. - فراهم نکردن ایجاد زمینه‌هایی برای معرفی و شناسایی سایر فرهنگ‌ها در محیط‌های دانشگاهی. - ناکافی بودن ایجاد زمینه‌هایی برای توسعه

¹ - Internationalization of Curriculum (IOC)

مراودات بین‌المللی با توجه به سیاست فرهنگی شناساندن فرهنگ ورزش‌های ملی و دینی به جهانیان و شناخت فرهنگ‌های ملل دیگر. پژوهش دیگری با عنوان «شکل‌گیری هویتی و الگوهای محلی، ملی و جهانی» (Fakouhi 2002). انجام شده است و با تحلیل یافته‌های آن می‌توان ضرورت توجه به اقوام گوناگون و فرهنگ‌های گوناگون را احصاء نمود.

بر اساس برخی پژوهش‌ها، افزایش مناسبت‌های متقابل بین قومی (قرینگی روابط) در حوزه‌های تعاملی معیشتی، اقتداری، عاطفی و فکری، تعلق و همگرایی و وفاداری اقوام را به هویت‌های جمعی فرا قومی (هویت منطقه‌ای و ملی) تقویت می‌کند. (Tavasoli & Ghasemi, 2003). بر این اساس، با افزایش این مناسبت‌ها و همکاری بین‌گروهی که از برآیند روابط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاصل می‌شود، تعلق و وفاداری اقوام به واحدهای جمعی بزرگتر از جمله هویت‌های جمعی منطقه‌ای و ملی افزایش پیدا می‌کند و در مقابل، کاهش این مناسبت‌ها به تقویت واحدهای جمعی خرد و تضعیف واحدهای جمعی کلان‌تر منجر می‌شود.

بر اساس نتایج پژوهشی با عنوان «جایگاه فرهنگ‌های قومی در تربیت شهروند» در جوامع چند قومیتی مانند ایران، به کارگیری فرهنگ‌های قومی در آموزش رسمی و اشاعه آن از راه برنامه درسی زمینه پیوند بین اقوام و تبارهای جامعه را بوجود می‌آورد و وحدت بخشی فرهنگی و وحدت ملی را ایجاد می‌کند (Askarian, 2006). هم‌چنین بر اساس یافته‌های پژوهش دیگری با عنوان «آموزش چند فرهنگی الزامی برای جهانی شدن» مشخص شد که اصطلاح «چند فرهنگی» مفهومی است که در سال‌های اخیر مورد تأکید تعلیم و تربیت قرار گرفته و منظور آن این است که علی‌رغم گسترش ارتباطات بین کشورها و حرکت آنها به سوی نظامی جهانی یا حداقل منطقه‌ای، مساله اقوام و تفاوت‌های فرهنگی بین آنها هم‌چنان اهمیت خاصی دارد (Khosravi, 2008).

در این شرایط برنامه‌ی درسی میان‌رشته‌ای راهبرد موثری برای مقابله و سازگاری با بحران‌ها و تغییرات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بویژه در آستانه ورود به قرن بیست و یکم بشمار می‌رود. از جمله بحران‌ها و تغییرات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی که این پژوهشگران از آنها نام می‌برند، عبارت است از مسئله رشد روز افزون پدیده مهاجرت و افزایش گوناگون‌های (کثرت) فرهنگی (Ahmadi, 2009). دانشکده علوم تربیتی دانشگاه ماساچوست^۱ در دوره تخصصی که با عنوان توسعه برنامه درسی در تعلیم و تربیت چند فرهنگی (Nieto, 2002). برگزار گردید بر موارد ذیل تأکید نموده است:

۱- ضرورت بسط و توسعه مفهوم تعلیم و تربیت چند فرهنگی^۲

^۱-University of Massachusetts

^۲- Multicultural education

- ۲- آگاهی از روش‌های سازمان دادن و طراحی برنامه درسی چند فرهنگی
- ۳- کاوش انواع رویکردها برای طراحی و پی‌ریزی فعالیت‌های یادگیری چند فرهنگی
- ۴- آشنایی وسیع با انواع منابع در برنامه درسی چند فرهنگی
- ۵- کاربرد انواع رویکردهای چند فرهنگی در تدریس
- ۶- توسعه برنامه درسی چند فرهنگی که می‌تواند در محیط‌های واقعی آموزش مورد استفاده قرار گیرد.

در مقاله‌ای که به وسیله دفتر آمارهای ملی انگلستان^۱ با عنوان «چه کسانی در گروه قومی مخلوط هستند»^۲ به این موضوع می‌پردازد که: در پنجاه سال گذشته؛ بریتانیا شاهد افراد متولد شده از قومیت‌ها و فرهنگ‌های متنوع بوده است و حدود ۷۹ درصد مردم متولد در انگلستان دارای هویت و قومیت ترکیبی بشمار می‌رود. بنابراین، ضرورت پرداختن به برنامه درسی چند فرهنگی به نحو بارزی در این کشور مشخص است (Bradford, 2013). هم‌چنین بر اساس پژوهشی با عنوان «درک نژاد، قومیت و فرهنگ در دانشکده‌های پزشکی انگلستان» که با استفاده از روش کیفی صورت گرفته است مشخص شد که: با توجه به پدیده جهانی شدن و ضرورت مراقبت‌های پزشکی متخصصان بالینی از بیماران دارای قومیت‌ها و نژادهای گوناگون؛ و هم‌چنین هشدار تئوری‌های نظری متعدد در این خصوص، لکن باز هم فقدان کمبود توجه در زمینه احترام به چند فرهنگی مشاهده می‌شود (Robertz and Sanders 2008). با توجه به موارد مطرح شده، این مقاله بر آن است تا با دیدگاه مطالعات بین رشته‌ای به این مساله نگر بسته و ضمن بررسی رویکردهای گوناگون، رهیافت مناسب جهت تدوین برنامه‌درسی چند فرهنگی در آموزش عالی را پیشنهاد نماید.

پرسش‌های پژوهش

- ۱- توجه به برنامه درسی چند فرهنگی در آموزش عالی دارای چه ضرورت‌هایی می‌باشد؟
- ۲- رهیافت‌های میان رشته‌ای جهت طراحی برنامه‌های درسی چند فرهنگی کدامند؟
- ۳- کدام یک از رهیافت‌های میان رشته‌ای برای تدوین برنامه درسی چند فرهنگی مناسب‌تر است؟

روش‌شناسی پژوهش

روش این پژوهش، تحلیلی استنتاجی است که با برداشتن گام‌هایی به این شرح انجام خواهد شد. نخست: چپستی و ضرورت توجه به برنامه درسی چند فرهنگی، ارتباط برنامه‌درسی چند فرهنگی با مباحث میان رشته‌ای، و انواع رهیافت‌های میان رشته‌ای که بررسی و بخش بندی

^۱ -Office for National Statistics

^۲ - who are the Mixed ethnic group

می‌شود. اما از آنجا که برای تحلیل محتوای کیفی همچون یکی از روش‌های کیفی پژوهش، روش‌های گوناگونی هست، در این پژوهش، برای تبیین و مقایسه رهیافت‌ها و ارائه رویکرد مناسب از روش تحلیل تطبیقی^۱ بهره گرفته شده است (Zarghamii, Sajjadeyeh, Ghaedi, 2012, Felic, 2012).

یافته‌ها

پرسش اول: توجه به برنامه درسی چند فرهنگی در آموزش عالی دارای چه ضرورت‌هایی می‌باشد؟

پیش از بیان ضرورت توجه به برنامه درسی چند فرهنگی؛ ابتدا مفاهیم تعلیم و تربیت چند فرهنگی و برنامه‌درسی میان‌رشته‌ای به صورت مختصر مورد اشاره قرار گرفته و سپس ارتباط برنامه‌ی درسی میان‌رشته‌ای با آموزش چند فرهنگی بررسی شده و در نهایت اهمیت پرداختن به برنامه درسی چند فرهنگی در آموزش عالی مورد تبیین قرار می‌گیرد.

الف- تعلیم و تربیت چند فرهنگی

تعلیم و تربیت چند فرهنگی به عنوان یک حوزه‌ی مطالعاتی بشمار رفته که هدف عمده‌ی آن برابری فرصت‌های تعلیم و تربیتی برای نژادها، اقوام و گروه‌های فرهنگی گوناگون است (Bank & Banks, 2013). و یکی از اهداف عمده‌ی آن کمک به همه فراگیران در بهره‌گیری عادلانه از دانش و مهارت‌ها و داشتن عملکرد مؤثر در یک جامعه متکثر و دارای گروه‌های قومی در زمینه‌ی تعاملات و ارتباطات با سایر افراد جامعه می‌باشد.

ب- برنامه درسی میان‌رشته‌ای

در برنامه درسی میان‌رشته‌ای، یک مفهوم، مضمون و محتوا، مهارت یا فرایند، محور سازماندهی برنامه درسی قرار می‌گیرد و از رشته‌ها و مواد درسی گوناگون برای توضیح و تبیین آن بهره می‌جویند. در این رویکرد استقلال رشته‌ها از بین می‌رود و مرزبندی رشته‌ای به‌گونه موقت کنار گذاشته می‌شود. این رویکرد با عناوین گوناگون و شکل‌های متعدد بیان شده است. برنامه-درسی میان‌رشته‌ای از رویکردهای متداول تلفیق برنامه درسی است (Ahmadi, 2009).

ارتباط برنامه‌ی درسی میان‌رشته‌ای با آموزش چند فرهنگی:

پژوهشگران برنامه‌ی درسی باید یاد بگیرند تا مفاهیم جدید را عملیاتی کنند، پرسش‌های گوناگون بپرسند و به برنامه‌ی درسی از نظر گاه‌ها و دیدگاه‌های گوناگون بنگرند (Klein, 2003). در دوران کنونی، برنامه‌ی درسی به عنوان رشته‌ای است که در آن زبان و گفتمان‌های متفاوتی به

¹ - Comparative Analysis

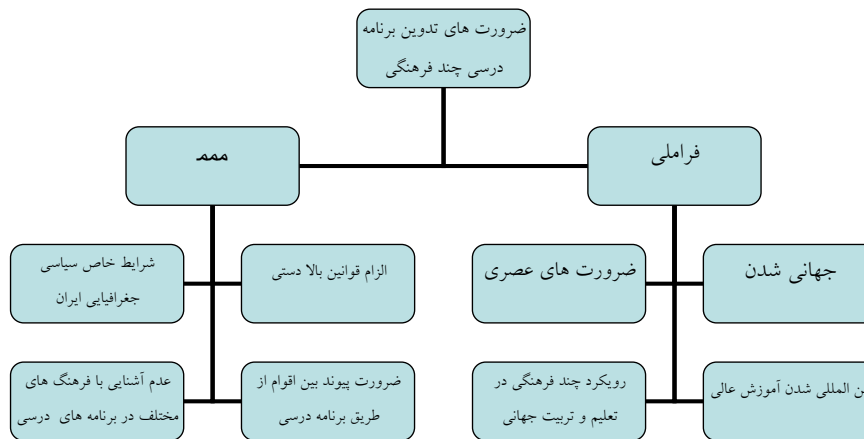
کار برده می‌شود و منظور از گفتمان، متن و بستری است که در آن یک موضوع یا رشته مورد توجه قرار می‌گیرد (Fathi Vajargah, 2007).

در دوران معاصر گفتمان‌های متعددی به منصفه ظهور رسیده که برنامه درسی را در بسترهای گوناگونی مورد بحث و بررسی قرار داده است. یکی از این بسترها؛ مباحث نژادی می‌باشد که حاوی تلاش‌های وسیع گروهی از پژوهشگران در حوزه «چند فرهنگ گرای»^۱ و رفع تبعیض در عرصه تعلیم و تربیت و برنامه درسی است. برخی متخصصان برنامه درسی نیز مباحثی چون فرهنگ، قومیت، نژاد و چند فرهنگی را زیر مجموعه میانی جامعه شناختی برنامه درسی مطرح نموده‌اند (Mousapour, 2006, Saylor & Gallon, 2001, Yarmohammadian, 2013). و یا در مباحث تخصصی برنامه درسی به آن پرداخته‌اند (Talebzadeh & Fathi vajargah, 2003). نو مفهوم گرایان نیز که در مجموع معرف یک نگرش نوین به برنامه‌های درسی و آموزش هستند، بنیاد نظریه‌های خود را تفاوت‌های دانش آموزان از نظر پیشینه فرهنگی، تاریخی، سیاسی و نژادی می‌دانند (Mehrmohammadi, 2012). از نظر پاینار طبقه‌بندی عقاید مارکسیستی قدیم و جدید که شامل مباحث برتری اقتصادی بوده است، به سرعت جای خود را با عقاید جدید قومی (نژادی) تعویض کرده و تغییر داده است (Pinar, 1993). در واقع یک پرسش اصلی و عمده که باید در پژوهش‌های معاصر برنامه درسی بدان پاسخ داده شود، نقش محیط‌های آموزشی در شکل‌گیری هویت فراگیران می‌باشد و فرهنگ در محیط‌های آموزشی می‌تواند به عنوان عرصه رقابت و صداها گوناگون تلقی می‌شود؛ تلقی فرهنگ به عنوان یک حوزه گفتمانی باید در بردارنده صداها گوناگون باشد. هنری ژیرو (Henry Giroux). نیز با تأکید بر گروه‌های جانبی به حاشیه رانده شده ضرورت توجه به تعلیم و تربیت آنها را پیشنهاد می‌کند. انسان شناسان و جامعه شناسان نیز بر بازنمایی موضوع‌هایی نظیر هویت، نژاد و قومیت و مرتبط کردن آن با تعلیم و تربیت تأکید می‌ورزند. مک کارتی (Mccarthy, 2008). نیز بر ضرورت یادگیری و احترام به تنوع قومی و فرهنگی به وسیله فراگیران تأکید نموده و معتقد است که آنان می‌بایست صلاحیت‌های ضروری برای زیست موثر را بیاموزند (Fathi vajargah, 2007). نهاد بین‌المللی برای طراحی تربیتی (Unesco, 2013). نیز بر اهمیت پرداختن برنامه درسی نسبت به مباحث فرهنگی و قومیتی تأکید نموده است.

با تامل در مطالب بیان شده، می‌توان اذعان نمود که تدوین برنامه درسی چند فرهنگی از ابعاد گوناگون ضرورت داشته و دارای اهمیت می‌باشد. بخشی از آن جنبه فراملی داشته و مخصوص کشور و نظام تربیتی ما نیست، بلکه ضرورت عام و جهانی است و برخی دیگر ناظر بر ویژگی‌های

¹ - Multiculturalism

خاص کشور ایران می‌باشد. شکل شماره یک در این بخش از مقاله، به ضرورت ابعاد گوناگون برنامه درسی چند فرهنگی می‌پردازد.



شکل شماره یک- ضرورت‌های تدوین برنامه درسی چند فرهنگی

پرسش دوم: رهیافت‌های میان‌رشته‌ای جهت طراحی برنامه‌های درسی چند فرهنگی کدامند؟

به عقیده برخی از محققین (Mehrmohammadi & Javdani & Toufighi, 2009). دسته‌بندی‌های متنوع موجود از انواع رهیافت‌های میان‌رشته‌ای حقیقتاً نیازمند پردازش مجدد پیش از بهره‌برداری است. به دیگر سخن در شکل کنونی، دسته‌بندی‌های ارائه شده به جای آنکه دلیل راه‌پویندگان باشد و راه را به آنان نشان دهد، متاسفانه به حیرت و ابهام رهروان می‌افزاید. این بدان دلیل است که تلاش‌های به عمل آمده، از جمله به پیش‌نیاز توافق بر حداقلی از معانی و مفاهیم پای‌بند نبوده است و هر یک از مفاهیم را به شکلی دلخواه و مدنظر خود به خدمت می‌گیرد و در نتیجه از خاصیت هم‌سنجش‌پذیری برخوردار نیست. مثلاً مفهوم "میان‌رشته‌ای" به معانی گوناگون و ناظر به رویکردهای متفاوت تلفیقی به کار رفته است. درباره مفهوم "چند رشته‌ای" نیز همین وضعیت صادق است. از سوی دیگر، در این دسته‌بندی‌ها برای اشاره به شکل واحدی از تلفیق از مفاهیم و اصطلاحات گوناگون استفاده می‌شود و نمی‌توان با اطمینان خاطر از دلالت یک اصطلاح برای شکل خاصی از تلفیق سخن به میان آورد.

چرایی رویکرد تلفیق:

در زمینه چرایی رویکرد تلفیقی عوامل و بستر موثر در ظهور این رویکرد را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

- ۱- انسان و پدیده‌های انسانی ذاتاً پیچیده و دارای وجوه متعدد و گوناگون هستند. هم‌چنین رهیافت‌ها و روش‌ها و ابعادی که می‌توان به آنها در بررسی واقعیت‌های فیزیکی و یا انسانی توجه کرد متعدد و متکثرند. این تکثر و پیچیدگی انسان و ابعاد گوناگون او و تخصصی شدن علوم موجب می‌شود که دانشی سازمان یافته و مرزبندی شده نتواند به‌گونه کامل بر واقعیت منطبق شود و الگو و آینده‌ای گویا و شناسنده از آن باشد. لذا، برنامه‌ریزان و طراحان آموزشی با دانستن این موضوع، دست به تلفیق رشته‌ها و معارف بشری می‌زنند تا یافته‌های جدیدی را در عرصه علم و فناوری کسب کنند و برای مسائل جدید و مستحدثه و چندی وجهی پاسخ‌های در خور یابند.
- ۲- رشد بیش از حد و روز افزون مرزها در علوم تبعاتی داشته که نیاز محیط‌های علمی و دانشگاهی به برنامه‌های میان رشته‌ای را توجیه و تثبیت کرده است.
- ۳- نیاز انسان امروز به تولید علوم عاری از مصائب و مشکلات جریان‌های دگم جزم اندیش (مدرنیته). (Paighami&Tourani,2010).

انواع رهیافت‌های میان رشته‌ای

بر این اساس در این مقاله اشکال شناسایی شده شش نوع برنامه‌ریزی تلفیقی ارائه شده و دیدگاه مناسب جهت بررسی چند فرهنگی در آموزش عالی نیز مورد اشاره قرار گرفته است (Mehrmohammadi,2009).

۱ ° برنامه‌ریزی تلفیقی درون رشته‌ای موازی (Parallel intra ° disciplinarity)

از آن به جمع جبری رشته‌ها نیز یاد می‌شود. در این روش «هریک از رشته‌ها، مفاهیم، ساختار، اصول، مبادی و روش‌های خود و هم‌چنین ترتیب ارائه آنها را به‌گونه کامل حفظ می‌کند و در عمل فقط شاهد اجرای متوازی دو یا چند رشته با برنامه‌های مجزا و البته منطبق برنظم منطقی در هر رشته هستیم». رشته‌ای با عنوان «فلسفه، سیاست و اقتصاد» که در دانشگاه آکسفورد اجرا می‌شود، نمونه برنامه تلفیقی منطبق بر این رویکرد معرفی شده است.

۲ ° برنامه‌ریزی تلفیقی میان رشته‌ای (Inter ° disciplinarity)

در این روش «مفاهیم، مبادی یا موضوعات کلی و اصول مشترک یا نسبتاً مشترک بین دو یا چند رشته مورد توجه بوده و به نحو آگاهانه، روش، زبان و دانش سازمان یافته چند حیطه از دانش را جهت بررسی موضوعات و مبادی مشترکی به کار می‌گیرند. دانشجویان موضوعات مهم و واحدی را از ابعاد گوناگون و درچارچوب‌های تحلیلی و از منظر روش‌شناسی چند علم مورد توجه و

مطالعه قرار می‌دهند. این رهیافت ظرفیت خوبی برای مطالعه همه جانبه یک موضوع چند بعدی و تربیت سیاست‌گذاران متخصص چندحرفه‌ای داراست.»

۳ ° برنامه‌ریزی تلفیقی چند رشته‌ای (Multi disciplinary)

این رویکرد با یک موضوع یا مسأله کلی آغاز می‌شود که هم زمان از راه چند نظام رشته‌ای و اصول سازمان دهنده رشته‌های گوناگون یک پدیده یا یک موضوع یا مسأله را بررسی می‌کند. به جهت شدت و مقدار تلفیق رویکردی فی مابین درون رشته‌ای موازی و میان رشته‌ای بشمار می‌رود رشته یا درسی با عنوان «جامع‌شناسی سیاسی کشورهای در حال توسعه» از نمونه‌های منطبق بر این رویکرد تلفیقی معرفی شده است.

۴ ° برنامه‌ریزی تلفیقی چند رشته‌ای متقاطع (Cross disciplinary)

طراحی براساس گذر از رشته‌ها نیز نامیده شده است. در این گزینه، یک رشته یا رویکرد روش‌شناختی یا حیطه موضوعی را از دیدگاه تحلیلی و روش‌شناختی و در قالب الفاظ رشته‌ای دیگر مورد مطالعه قرار می‌دهد رشته‌های منطبق بر این رویکرد تلفیقی شامل رشته‌های فلسفه علم و فلسفه اقتصاد می‌شود. در این رویکرد تلفیقی به وضوح شاهد تلفیق به معنای خلق حوزه‌ی معرفتی جدید هستیم. به‌گونه دقیق‌تر، این رویکرد تلفیقی از نوع «هم‌جوشی» است که به درآمیختگی و وحدت رشته‌های متجانس ناظر است.

۵ ° برنامه‌ریزی چندرشته‌ای متکثر (Pluri disciplinary)

این رویکرد از راه طراحی مابین رشته‌هایی که ارتباط بیش‌تری باهم دارند ایجاد شده و وجود یک ادبیات مشترک یا روش‌شناسی مشترک که همراه با همگونی مفاهیم در دو عرصه علمی باشد لازمه چنین طرحی است.

۶ ° برنامه‌ریزی تلفیقی فرارشته‌ای (Supra disciplinary / trans disciplinary)

این رویکرد خود به سه رویکرد فرعی با نام‌های فرا رشته‌ای افقی (Horizontal supra disciplinary)، فرارشته‌ای قائم (Vertical supra disciplinary)، فرا رشته‌ای مورب (Oblique supra disciplinary) تقسیم شده است. این رویکرد به مقوله‌هایی می‌پردازد که بیش‌تر با منطق تلفیق در برنامه‌های درسی پیش از دانشگاه هماهنگ است. کاربرد این رویکرد و اشکال فرعی آن، از جمله درآموزش‌های عمومی است که درآموزش عالی تعقیب می‌شود.

پرسش سوم: کدام یک از رهیافت‌های میان رشته‌ای برای تدوین برنامه درسی چند فرهنگی مناسب‌تر است؟

در پاسخ به پرسش سوم این مقاله، پس از معرفی مختصر انواع رهیافت‌های تلفیق، در جدول شماره ۲ معایب و مزایای هر کدام از گونه‌ها مورد تحلیل قرار گرفته و ذکر این نکته نیز ضروری است

که متخصصان برنامه‌ریزی درسی رویکردهای متعدد و گوناگونی را برای تلفیق مطرح کرده‌اند (Paighami&Tourani,2010). و ادعای این مقاله برای گونه‌شناسی و ذکر مزایا و معایب این رویکردها، نافی گونه‌شناسی و هم‌چنین بی‌توجهی به اختلاف نظر و تشتت آرای موجود بین صاحب‌نظران این عرصه نیست.

جدول شماره دو- تحلیل رهیافت‌های میان رشته‌ای بر اساس محاسن و معایب آنها

معایب	محاسن	نوع رهیافت
<p>- ارتباط عمیق و موثر بین رشته‌ها ایجاد نمی‌شود.</p> <p>- یادگیرنده نمی‌تواند ارتباطی بین حوزه‌های معرفتی برقرار و روابط موجود را درک کند.</p> <p>- به تنهایی قادر به تامین همه اهداف برنامه‌ریزان درسی نیست.</p>	<p>- طراحی و اجرای برنامه ساده است.</p> <p>- برنامه درسی به صورت اساسی و ماهوی تغییر نمی‌کند.</p> <p>- برنامه ریز از تجزیه اهداف کلی تلفیقی به اهداف جزئی معاف است.</p>	برنامه ریزی تلفیقی درون رشته ای موازی
<p>- در بعضی حالت‌ها می‌تواند به نوعی سطحی‌نگری محدود شود که برای برون دادهای انسان متفکر و تصمیم ساز چندان مفید نیست.</p> <p>- برای مقاصد آموزشی مفید است که می‌خواهند موضوعات خاص و اندکی را از زاویه‌های متعدد بررسی کنند.</p> <p>- تلفیق روش‌های منحصر به فرد هر رشته با روش‌های احتمالاً ناسازگار با سایر رشته‌ها کاری دشوار و در برخی مواقع برنامه را با ضعف طراحی مواجه می‌کند.</p>	<p>- واقعیت چند وجهی، پیچیده و در عین حال منسجم داشته و ارتباط موثری با برنامه آموزشی برقرار می‌کند.</p> <p>- مواد درسی دارای انسجام و یکپارچگی بوده و یادگیری بهتر امکان پذیر است.</p> <p>- در زمان دستیابی به اهداف متکثر و چند بعدی صرفه جویی می‌شود.</p>	برنامه ریزی تلفیقی میان رشته ای
<p>ساختار درونی موضوعات درسی و توالی مفاهیم و پیش نیازها به هم می‌خورد.</p> <p>تلفیق همه رشته‌ها با هم ممکن نیست زیرا شرط لازم برای طراحی درسی در این رهیافت این است که موضوع انتخابی، امکان طرح از جانب رشته‌های گوناگون را داشته باشد.</p> <p>ایجاد وحدت رویه بین اساتید دشوار است.</p>	<p>- استاد و دانشجو به راحتی می‌توانند بین رشته‌های گوناگون ارتباط برقرار کنند.</p> <p>- در مقام طراحی برنامه تلاش کمتری را می‌طلبند.</p> <p>- همه شرایط و ابعاد موضوع بررسی می‌شود.</p> <p>- به سبب بررسی مسئله از زوایای گوناگون، تطابق و ارتباط لازم را با مسائل واقعی و زندگی داراست.</p>	برنامه ریزی تلفیقی چندرشته ای
<p>تلاش‌های صورت گرفته باید با کوشش دیگران در رشته‌های مرتبط هم راستا باشد.</p>	<p>- دارای سادگی بوده و به راحتی می‌توان آن را بین حداقل دو رشته علمی طراحی نمود.</p> <p>- می‌توان در مقاطع تحصیلات تکمیلی و دکتری رشته‌های خاص و کاربردی طراحی نمود.</p> <p>در مقاطع گوناگون تحصیلی، با در نظر گرفتن چند واحد درسی می‌توان تحلیل‌ها و مطالعات برون رشته‌ای را درباره کارکردها و مسائل برنامه درسی چند فرهنگی را مطرح نمود.</p> <p>- شاهد خلق حوزه معرفتی جدید هستیم.</p>	برنامه ریزی تلفیقی چندرشته ای متقاطع
<p>تلاش‌های صورت گرفته باید با کوشش دیگران در</p>	<p>با طراحی بین رشته‌ای رشته‌هایی ممکن می‌شود که ارتباط</p>	برنامه ریزی چندرشته ای متکثر

رشته‌های مرتبط هم راستا باشد.	بیشتری با هم دارند. نقاط قوت هریک از رشته‌ها، در پیشرفت دیگری موثر واقع می‌شود. قدرت درک ارتباط بین دو حوزه علمی مشترک را در دانشجو تقویت می‌کند.	
برخی از رویکردهای فرعی این رهیافت به هیچ روی تلفیق به معنای خلق حوزه معرفتی جدید را تعقیب نمی‌کند..	-این رهیافت با قرار دادن یادگیرنده و مهارت‌های گوناگون وی در کانون توجه قرار می‌دهد. -ساختار جامعی از فعالیت‌ها و قابلیت‌های سه‌گانه فرایند یادگیری را ماورای موضوعات، جانشین ساختار منطقی و موضوعی علوم در حیطه رشته‌ها می‌کند.	برنامه‌ریزی تلفیقی فرارشته‌ای

بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله سه پرسش مطرح شد، نخست آنکه توجه به برنامه‌درسی چند فرهنگی در آموزش عالی ایران دارای چه ضرورت‌هایی می‌باشد؟ مساله دوم عبارت بود از آنکه رهیافت‌های میان‌رشته‌ای جهت طراحی برنامه‌های درسی چند فرهنگی کدامند؟ و پرسش سوم عبارت بود از اینکه، کدام یک از رهیافت‌های میان‌رشته‌ای برای تدوین برنامه‌درسی چند فرهنگی مناسب‌تر است؟ در پاسخ به پرسش نخست با توجه به مطالب ارائه شده در مقاله می‌توان گفت: امروزه دانشگاه‌ها درهای خود را بر روی دانشجویان بیش‌تر باز کرده‌اند. در طی ۵۰ سال آینده و به‌گونه قطع، تا انتهای قرن ۲۱، تعداد کسانی که آموزش عالی را تجربه می‌کنند، در همه دنیا، افزایش خواهد یافت، به‌گونه‌ای که ۷۵ درصد کسانی که در کشورهای توسعه‌یافته و ۵۰ درصد کسانی که در کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند، از آموزش عالی به اشکال گوناگون استفاده خواهند کرد (Fathi Vajargah & Diba, 2009).

در حالی که جذب دانشجویان بین‌المللی کاری جدید نیست، دانشگاه‌های سراسر دنیا به‌گونه فزاینده‌ای در حال تشخیص اهمیت ارزش جمعیت دانشجویانی هستند که فرصت‌های آموزش عالی را خارج از وطن خود جستجو می‌کنند. برای اینکه نهادهای آموزش عالی بتوانند در بازار جهانی امروز به رقابت بپردازند، به پذیرش رویکرد متفاوتی ناچار هستند که برای مشارکت تعداد رو به افزایش دانشجویان بین‌المللی در جامعه یادگیری ارزش قائل است.

از سوی دیگر نظام آموزش عالی جمهوری اسلامی ایران نیز دارای ظرفیت بالقوه‌ای جهت میزبانی دانشجویان بین‌المللی بوده و بین‌المللی کردن ضرورتی تمام‌عیار برای نظام آموزش عالی ایران بشمار می‌رود. این مساله با واقعیت‌های متعددی همراه می‌باشد. از جمله این واقعیت‌ها آن است که از یک طرف ایران، خود به‌گونه مستقیم درگیر تنوع اقوام و فرهنگ‌های گوناگون می‌باشد و در بعد جهانی نیز، خرده فرهنگ‌ها و فرهنگ‌ها در مقایسه با همه گذشته تاریخ به سرعت بیش-

تری از یک نقطه جهان به نقطه دیگر در حال حرکت وانتقال هستند. بنابراین، به تبع این مسائل، نظام آموزش عالی و دانشگاه‌ها نیز به عنوان محیط‌های فرهنگی تحت تاثیر شرایط داخلی و جهانی دارای تنوع قومیت‌ها، خرده فرهنگ‌ها، سلیقه‌ها، افکار، ذائقه‌ها و گرایش‌های سیاسی و اجتماعی گوناگون می‌باشند. در این میان از جمله وظایف آموزش عالی نیز ایجاد فضای آزاد برای یادگیری، کمک به توسعه پایدار، دموکراسی، برابری در فرصت‌های آموزشی، صلح و عدالت بوده و این شرایط در تمهید مقدمات بین المللی کردن آموزش عالی بسیار موثر می‌باشد.

آموزش عالی نیز جهت اتخاذ رویکرد متناسب برای افزایش مشارکت تعداد رو به افزایش دانشجویان بین المللی و تحقق بخشیدن به وظایف خود نیازمند ابزارهای لازم از جمله برنامه‌های درسی متناسب با این شرایط می‌باشد، که در آن امکان طرح زبان و گفتمان‌های متفاوت نظیر مباحث نژادی و چند فرهنگی گرایبی و رفع تبعیض در عرصه تعلیم و تربیت و برنامه درسی وجود داشته باشد. بنابراین، یکی از نیازهای آموزش عالی ایران در حال حاضر ضرورت فراهم کردن زمینه‌های مناسب در برنامه‌های درسی جهت آشنایی با فرهنگ‌های گوناگون و هم‌چنین ایجاد زمینه‌هایی برای توسعه مراودات بین المللی و بالفعل نمودن استعدادهای بالقوه دانشگاه‌های ایران جهت بین-المللی کردن برنامه‌های درسی آموزش عالی می‌باشد. این یافته‌ها در پژوهش‌های (Bazargan, 2009, Khanjarkhani, 2009, Rostami, 2009). تایید شده است.

در خصوص پاسخ پرسش دوم مقاله، و در ارتباط با انواع رهیافت‌های میان رشته‌ای می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: برنامه‌ریزی تلفیقی درون رشته‌ای موازی، برنامه ریزی تلفیقی میان رشته‌ای، برنامه‌ریزی تلفیقی چندرشته‌ای، برنامه ریزی تلفیقی چندرشته‌ای متقاطع، برنامه ریزی چند رشته‌ای متکثر و برنامه‌ریزی تلفیقی فرارشته‌ای. این گونه تقسیم بندی و مرز بندی در تحقیقات (Mehrmoammadi, 2009. Paighami & Tourani, 2010). نیز مورد استفاده قرار گرفته است.

پرسش سوم این بود که، کدام یک از رهیافت‌های میان رشته‌ای برای تدوین برنامه درسی چند فرهنگی مناسب‌تر است؟ در بحث رهیافت متناسب جهت برنامه‌درسی چند فرهنگی در آموزش عالی جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد می‌گردد که تعلیم و تربیت چند فرهنگی با دیدگاه تحلیلی و روش شناختی و در قالب الفاظ رشته و یا رشته‌هایی نظیر جامعه شناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی، تاریخ و علوم سیاسی مورد مطالعه قرار گیرد و یا اینکه از راه طراحی رشته‌هایی که ارتباط بیش تری با هم دارند، تعلیم و تربیت چند فرهنگی طراحی گردد که این مورد مستلزم وجود ادبیات یا روش شناسی مشترک و همگونی مفاهیم در عرصه‌های علمی می‌باشد.

بنابراین، با توجه به دلالت‌های ارائه شده در بحث انواع رهیافت‌های میان‌رشته‌ای و هم-چنین یافته‌های جدول شماره دو در محتوای مقاله و تحلیل رهیافت‌های میان‌رشته‌ای بر اساس محاسن و معایب آنها جهت تدوین برنامه‌ی درسی چند فرهنگی در آموزش عالی ایران؛ از بین رویکردهای بررسی شده "رهیافت برنامه‌ریزی تلفیقی چندرشته‌ای متقاطع و یا برنامه‌ریزی چند رشته‌ای" جهت تدوین برنامه درسی چند فرهنگی متکثر در آموزش عالی ایران پیشنهاد می‌گردد. بر اساس این رهیافت علاوه بر اینکه می‌توان در مقاطع تحصیلات تکمیلی و دکتری، رشته‌هایی خاص و کاربردی در حوزه تعلیم و تربیت چند فرهنگی طراحی نمود، می‌توان برنامه‌های موجود را نیز تقویت و تکمیل نمود. به عبارت دیگر، در مقاطع گوناگون تحصیلی با در نظر گرفتن چند واحد درسی می‌توان تحلیل‌ها و مطالعات برون‌رشته‌ای را درباره‌ی کارکردهای برنامه درسی چند فرهنگی را مطرح کرد. این یافته‌ها در پژوهش‌های (Paighami & Bazargan, 2009, Fathi vajargah 2007, Tourani, 2010, Khanjarkhani, 2009) تایید شده است.

با این دیدگاه تلفیقی؛ تعلیم و تربیت چند فرهنگی و ارائه سیاست مدون در این زمینه که لازمه توسعه آموزش عالی می‌باشد از حالت نگاهی تک بعدی خارج شده و به دلیل توجه به ابعاد گوناگون وجودی یا زیست‌جهان‌های متفاوت و مواجهه‌های گوناگون با مسأله تعلیم و تربیت چند فرهنگی می‌توان در تحلیل نهایی به نتایج آن اعتنا و استناد متقن‌تری نمود.

در نهایت می‌توان گفت دانش‌آموختگان دانشگاه سرمایه‌های انسانی بشمار می‌روند که نقش بسزایی در توسعه و پیشرفت کشور دارند. پر واضح است که دقت در برنامه درسی آنها موجب کارآمدی و اثر بخشی بیش‌تر این سرمایه‌ها خواهد بود. از این رو به جرئت می‌توان گفت که کاربرد طراحی و اجرای رویکردهای تلفیقی، بویژه در برنامه‌های درسی رشته‌های علوم انسانی، از جمله مباحث چند فرهنگی، تاثیر مهمی در توسعه علمی و اجرایی و بویژه بین‌المللی کردن برنامه‌های درسی و آموزش عالی خواهد داشت. بدین‌منظور به مسئولان و سیاست‌گذاران ارشد علمی کشور و دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی پیشنهاد می‌گردد، ضمن بررسی وضعیت توجه به چند فرهنگی در دانشگاه‌های کشور، و با تمرکز بر رهیافت‌های ناظر بر طراحی برنامه درسی، راهی برای برون رفت از رکود فعلی در مساله عدم آشنایی با تعلیم و تربیت چند فرهنگی و هم‌چنین عدم زمینه مناسب جهت آشنایی با فرهنگ‌های گوناگون فراهم آورند.

References

- Ahmadi, P (2009) *Interdisciplinary Curriculum*, *Interdisciplinary Studies in the humanities*, N., 3, Summer 2009, Pgs 97-126. (In Persian).
- Araghiyeh, A. Fathi Vajargah, K. foroughi Abari, A. Fazeli, N. (2009), *The Multi-Cultural Curricular Program; The Last point in Higher Education*

Programs, Abstract of the annual Ninth Meeting ArticlestinnIran s Curricular Studies, 28 and 29 of September 2009, Tabriz, University of Tabriz, Educational and Psychological Sciences. (In Persian).

Araghiyeh, A. Fathi Vajargah, K. Forroghi Abari, A. Fazeli, N. (2010). *The Analysis of National Status in Iran's Primary Schoolsh Curricula, DDDD Thesis in the philosophy of Education and Curricular Planning*; Islamic Azad University, Khorasegan Branch. (In Persian).

Arefi, M. (2004), *the Analysis of Curricular Analysis, Educational Sciences Field in Iran's Hihher Education and Procedures for its Imvroment (Case Study in Educational Management)* Ph.D. Thesis, College of Educational Sciences, Tarbiat Moallem University. (In Persian).

Askarian, M. (2006), *Place of Cultures in Educating Citizens*, *Review Quarterly Journal of Educational Innovations*, No. 17, Pgs. 133-162, Autumn 2006. (In Persian).

Banks and Banks,(2013). Define multicultural Education at: <http://www.ncrel.org>.

Bazargan, A. (1995) *Assessment at the University level and its Application in the Continuous Improvement of Higher Education Quality; Research and Planning in Hihher Education NN №. 3 and4*, consecutive Nos., 11 and 12, fall and summer, 1995. In Persian.

Bazargan, A.(2009).*The Evaluation in Interdisciplinary curricula. Interdisciplinary Studies in the Humanities*, Vol.1.No.3.summer 2009. Pgs.55-66. (In Persian).

Bradford,B.(2013);who are the Mixed ethnic group?; .office for national statistics,London.seelink http://www.academia.edu/277514/Who_Are_the_MixedEthnic_Group.

Dehghan M. (2001), *The Universal Single System From Imagination to Reality*, First chapter, Ettelaat Newspaper; Januray 10. (In Persian).

Fathi Vajargah, K. (2007), *Curricular Planning Towards New Identities*, First Volume:Tehran, Aeezh. (In Persian).

Fathi Vajargah. K. (2008) *Internationalization of Curricular Planning in Iran stHigher Education, Challenges andr Perspectiveso The Eighth Conference of the Institute for Irna's Curricular mannin' Studiesrtt lectronic Board*, Pgs. 2018-2035. University of Mazandaran.(In Persian).

Fathi Vajargah, K.Diba,T.(2009).Virtual Global University (VGU):An International and interdisciplinary Approach to Higher Education. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, Vol.1.No.3.summer 2009. Pgs.67-96.(In Persian).

Fazeli, N. (2008), *Culture and University*, First Edition, Arasteh Publishing Tehran.

- Fazeli, N. (2013). *Culture and University*. at: <http://www.farhangshenasi.com/persian/>. (In Persian).
- Flick, U. (2012). *An Introduction to Qualitative Research*. Translated by Jalili, H. Tehran: Nashr-Nay. (In Persian).
- Fakouhi, N. (2002). Identity Formation and the local, national and Global Cultural Patterns: A Case Study of Lorestan Iranian *Journal of Sociology, No.4*, winter 2002. Pgs. 127-161. (In Persian).
- Gall, M. 2005, *Education Research An Introduction*. Translated by Nasr A. Et al, 2nd volume: Tehran, Semat
- Gidenz, A. (2004), *Sociology*, Translated by Saboori, M, Tehran, Nashre-Ney. In Persian.
- Hajiani, E. (2004), The Problem of National Unity and the pattern of tribal politics in Iran, A collection of articles about Iran's social issues; *Iranian Journal of Sociology; First Edition*, Spring 2004 Pgs. 491. (In Persian).
- Hosseini, M.; Soltani, Sh. Nasr, A. (2008), The measurement of Higher Education in the 3rd Millennium; the Cautionization of curriculum Abstract of Articles on National Meetings regarding the control and Assessment of Higher Education, the society of Higher Education in Iran, Shahid Beheshti University, Pg. 20 (In Persian).
- Javedani, H. Toufighi, J. (2009), The Structures, Process and Effective Factors in Developing of Interdisciplinary *Interdisciplinary Studies in the humanities; No. 5*, Winter 2009; Pgs, 37-56. (In Persian).
- Khanjarkhani, Z. Bakhtiar Nasrabadi, H. Ebrahimi Dinali, A. (2009), An Introduction to the Necessity, Position and Types of Interdisciplinary Studies in Higher Education *Interdisciplinary Studies in the humanities, No.5*, Winter 2009; pgs., 167-186 (In Persian).
- Khosravi, M. (2008), Multi-cultural Education for Globalization the Eighth Meeting of the Institute of curriculum studies in Iran. Electronic Board, Pgs. 401-427, Mazandaran University. (In Persian).
- Klein, F. (2003), *Alternative Curriculum Conceptions And Designs*, Ornstein allen c. and others, contemporary issues in curriculum, Third Ed, allyn and bacom, pearson Education inc, Boston
- Maroufi, Y. Kiamanesh, A. Mehramohammadi, M. Ali Asgari, M. (2007) The Assessment of the Quality of Teaching in Higher Education: The Analysis of some Perspectives *Journal Of Curriculum Studies*, No.5, Summer 2007, Pgs. 81-112. (In Persian).
- Mehrmohammadi, M. (2009). Key Consideration on the Policy Making for Interdisciplinary Sciences in Higher Education from the Standpoint of Development Process, *Interdisciplinary Studies in the humanities, No.3*, Summer 2009, Pgs. 1-17. (In Persian).

- Mehrmohammadi, M.(2012).*Curriculum: Theories, Approaches and Perspectives*.Tehran,Beh-Nashr Publishing.(In Persian).
- Mccarthy,C,(2008)Race, Identity and Representation in education , at :[http://www.amazon.com/ Identity/ Representation](http://www.amazon.com/Identity/Representation) .
- Mousapour, N. (2006) *The Fundamentals of Planning in Secondary Education*, 2nd :Tehran, Payam Andisheh.(In Persian).
- Nieto,S.(2002),*Curriculum Development in Multicultural Education*. course syllabus for education 559.spring 2002 semester. University of Massachusetts /Amherst .school of education.
- Paighami, A. Tourani, H. (2010) Methodology of Composing Curricula Planning and the Proofs of their Application For Economics *Interdisciplinary Studies in the Humanities, No., 5; winter 209*, Pgs, 57-85.(In Persian).
- Pinar,W.F,1993,*Understanding Curriculum as Racial Text* .edited with louis A .castenell, state university of New York press.
- Rafipour, F. (2006) *Anathomy of the Society* AnIntroduction to the sociology of Application Tehran, Enteshar Publications.(In Persian).
- Roberts ,J . Sandres .H. wass,val,T. (2008),perceptions of race, ethnicity and culture at two UK medical schools :a qualitative study, *medical education ,Volume 42,number 1*,January 2008, Pgs.45-52(8),Blackwell Publishing.
- Rostami, A. (2009) Internal Newsletter, Islamic Azad University, , Eslamshahr Branch , May 2009. (In Persian).
- Sedigh Sarvestani, R. Zaeri, G (2009) *Cultural Planning Challenges In Iran*, First, Tehran, Islamic Azad Uinversity, Research Under Secretary. (In Persian).
- Salehi Amiri, S,R (2006) the Management of Ethics in Iran, Interpretation and Analysis of the Current Patterns and the Presentation of Desired Patterns, Tehran, Under the Secretary cultural and social Research, the center for Strategic Research for the Recognition of the System s Interest.(In Persian).
- Silver, J. Gallon; A. William,M. Louis, J. (2001) *Curriculum for teaching and learning Better*, translated by Khooy Nezhad, Gholamreza; Tehran, Beh Nashr.(In Persian).
- Talebzadeh Nobarian, M. Fathi Vajargah,K. (2003), *Curriculum Issues* , Tehran, Aeezh. (In Persian).
- Tavassoli, G,A. Ghassemi, Y. (2003),I nterethnicRelationship and its Connection with Development of Collective Identity. *Iranian Journal of Sociology,Vol.4,No4,Winter2003*. Pgs,77-97.(In Persian).
- Unesco .(2013) .<http://www.IIEP.Unesco>.
- Virilio,P.(2001)*Speed and Information: Cyberspace Alarm* ,in D .trened , ed., reading digital culture, oxford : Blackwell Publishers.

Yarmohammadian, M.(2013) *The Essentials of Curriculum Planning*, Tehran. Yad va Reh-e-Ketab.(In Persian).

Zarghami,S.Sajjadeyeh,N.Ghaedi,Y.(2012).Conceptual Rethinking of Intellectual Development Serves as Cultural Foundation for Transforming the Education System. *Strategy for Cultural .fifth year.no,17&18.spring&summer* 2012, Pgs,123-151. (In Persian).

Zuboff,s.(2001), *Dilemmas of Transformation in the Age of the Smart Machine* .in D.trend, reading digital culture, oxford : Blackwell Publishers.

